



بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

زهرا اکبری ۱ - سید حمزه صفوی ۲

چکیده

نوسازی دارای ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. نوسازی روندی است که همه کشورها آن را تجربه کردند و یا در حال تجربه کردن هستند. عربستان سعودی یکی از کنشگرانی است که از زمان کشف نفت وارد این روند شد، اما با گسترش ارتباطات، در دو دهه اخیر این روند شتاب بیشتری به خود گرفته است. برنامه نوسازی در عربستان مشتمل بر همه ابعاد مذکور است (هرچند با اولویت اقتصادی)، بازتاب‌های این تغییرات در جامعه و تأثیر آن بر ثبات سیاسی حکومت موضوعی مهم قلمداد می‌شود. اما آنچه در این مقاله مورد بحث اصلی است این است که روند نوسازی در کشور سعودی بر اساس فاکتورهای مشخص شده، چه تأثیری بر ثبات سیاسی حکومت سعودی دارند؟ با توجه به تعریفی که از ثبات/ بی‌ثباتی سیاسی ارائه شده یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در برخی موارد نوسازی ظرفیت بی‌ثباتی برای حکومت با خود همراه دارد و در مواردی نیز نوسازی پاسخی درخور به مطالبات اجتماعی نداده و پتانسیل ایجاد چالش و بی‌ثباتی می‌باشد. در مجموع در طیف پیوسته ثبات/ بی‌ثباتی، حکومت سعودی در جهت ثبات گام برداشته و اصلاحات اجتماعی انجام شده، با وجود نمادین بودن در برخی ابعاد، احتمال کمتری برای بی‌ثباتی دارد.

واژگان کلیدی: نوسازی، ثبات سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، عربستان سعودی

شماره ۲ (۲۵)

سال ۹
تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۱/۱۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۳/۰۴
صص: ۴۰-۱۷



DOR: 10.2783.4999/PRIW.2304.1234.2.25.2

۱ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
zazahraakbari@gmail.com
۲ استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
safavi@ut.ac.ir

مقدمه

عربستان سعودی به عنوان کشوری که خود را خادم حرمین شریفین و رهبر جهان اسلام می‌داند همواره حائز اهمیت بوده است. حکومت سعودی که در مثلی متشکل از سلطنت سعودی، آموزه‌های وهابیت و کمک‌های انگلیس شکل گرفت، تا دهه‌های متمادی پس از شکل‌گیری، بر اصول زندگی بدوی قبیله‌ای حکمرانی می‌کرد. پس از کشف نفت و ثروت حاصل از آن، و البته با مداخله قدرت خارجی، حکومت سعودی قدم در راه نوسازی گذاشت. در این روند که در قرن ۲۱ شتاب بسیار بیشتری گرفته است، مخالفانی از هر طیف سر برآوردند و نشان دادند مدرنیزاسیون در عربستان می‌تواند به موضوعی بسیار چالش‌برانگیز بدل شود. از آنجایی هم که نوسازی روندی طولانی مدت و چندجانبه است و شاخصه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد، واکنش‌های منفی و اعتراضی از سوی سنت‌گرایان بویژه مفتی‌ها و علمای وهابی در پی داشته است. از سوی دیگر، مردم و در چند دهه اخیر، طبقه متوسط جدید و گروه‌های ناراضی از جمله شیعیان، مطالباتی داشته‌اند که در اکثر موارد با سرکوب و تهدید و در برخی موارد با وعده و تطمیع، منحل شده‌اند.

در این میان، مسئله ثبات/ بی‌ثباتی سیاسی حاکمیت سعودی هم برای خاندان حاکم، هم برای رهبران سیاسی منطقه و هم برای پژوهشگران مهمی تلقی می‌شود. در این مقاله، دغدغه اصلی بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی، به‌ویژه در دوران حکومت ملک عبدالله و ملک سلمان تا به امروز است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: نوسازی در عربستان سعودی چه تأثیری بر ثبات/ بی‌ثباتی سیاسی این کشور خواهد گذاشت؟ پاسخ موقت به این پرسش این است که نوسازی در عربستان روندی بالا به پایین داشته است. البته به این بدان معنا نیست که مطالبه از پایین به بالا شکل نگرفته است، بلکه همواره با مطالبات، علی‌الخصوص مطالبات سیاسی خواهان مشارکت بیشتر مردمی، با سرکوب و مخالفت شدید مواجه بوده است. با بررسی شاخص‌های نوسازی در عربستان، و تأثیر این شاخص‌ها بر مؤلفه‌های بی‌ثباتی، این نوسازی‌ها با وجود پاسخگویی به برخی مطالبات جامعه، اصلاحات اساسی سیاسی مدنظر مردم را پاسخ نداده است. اما با توجه به عدم نهادینه شدن سازوکارهای حزبی و مدنی، تغییر و بی‌ثباتی ساختاری عمیقی دیده نشده و در آینده نزدیک نیز پیش‌بینی نمی‌شود. اما در برخی شاخص‌های بی‌ثباتی مواردی مشاهده شده است که در صورت عدم توجه به آن‌ها از سوی حکومت می‌تواند به بی‌ثباتی‌های عمیق‌تری منجر شود. علت انتخاب این بازه

زمانی نیز، با توجه به حکومت ملک عبدالله و ملک سلمان بوده است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان حوزه عربستان، ملک عبدالله از جناح اصلاح‌طلب آل سعود بوده و جویای ایجاد تغییراتی در ساختار بسته و سرکوب‌گر حکومت سعودی بوده است (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۲۶). در این مقاله از دو مفهوم نوسازی بر اساس تعاریف هانتینگتون و مفهوم ثبات/بی‌ثباتی سیاسی برگرفته از ساندرز استفاده شده است تا هم شاخص‌های نوسازی در این کشور بیان و بررسی شده و هم با ارائه شاخص‌های مؤثر احصاء وضعیت بی‌ثباتی، تأثیر مدرنیزاسیون بر ثبات سیاسی این کشور ارزیابی شده و بتوان پیش‌بینی‌ای راجع به آینده این روند داشت. بر همین اساس، با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای و اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به سؤال اصلی این نوشتار هستیم.

۱ - پیشینه پژوهش

آثار مختلفی از دهه‌های گذشته تاکنون درباره روند مدرنیزاسیون به طور کلی و مشخصاً درباره این پدیده در عربستان سعودی، نگاشته شده است. این آثار عمدتاً به قلم و نظر نویسندگان غربی هستند. از جمله این آثار، کتاب «عربستان سعودی در حال تغییر؛ هنر، فرهنگ و جامعه در پادشاهی»، نوشته سین فولی است. او در این کتاب به محدودیت‌های موجود در جامعه سعودی برای توسعه و گسترش هنر اشاره می‌کند و معتقد است روند بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی، مانع از ایفای نقش توده مردم در موضوعات فرهنگی و سیاسی می‌شود. کارن الیوت هاوس، «هزارتوی عربستان سعودی» روایتی از جامعه و حکومت این کشور ارائه می‌دهد و به ابعاد گوناگون جامعه و فرهنگ سعودی، از اشتغال و آموزش تا جایگاه زنان، جایگاه قانون، روند مدرنیزاسیون و امثالهم می‌پردازد. محرم هیلمی اوزو در مقاله‌ای با عنوان «جامعه سعودی و دولت: بنیان‌های انگاره‌ای و مادی»، ساختار اجتماعی و مشروعیت سیاسی حکومت سعودی را بررسی می‌کند. بسیونی در مقاله «اصلاحات سعودی؛ تغییر برای بقا یا پیشرفت؟» اصلاحات و تغییرات عمده‌ای که در دو دهه اخیر در حوزه‌های گوناگون از جمله آموزش و محتواهای مورد استفاده در مدارس می‌پردازد و تأثیر این تغییرات را بر جامعه سعودی نشان می‌دهد.

باید توجه داشت این آثار عمدتاً به توصیف روند نوسازی در عربستان پرداخته‌اند و نهایتاً بازتاب‌های فرهنگی و اجتماعی این تغییرات را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه اثر پیش‌رو را از آثار مذکور متمایز ساخته و اهمیت آن را نشان می‌دهد این است که در این اثر ما علاوه بر بررسی روند نوسازی در کشور سعودی در بازه زمانی مشخص، تأثیر آن را بر ثبات سیاسی و پادشاهی سعودی می‌سنجیم و با بهره‌گیری از فاکتورهای مشخصی، به تبیین احتمال ایجاد بی‌ثباتی ناشی از تغییرات و اصلاحات اجتماعی و نوسازی می‌پردازیم.

۲- چارچوب نظری یا مفهومی

۲-۱- نظریه مدرنیزاسیون هانتینگتون

هانتینگتون سنت‌گرایی را در مقابل و در تضاد با مدرنیته نمی‌بیند. او معتقد است هر چند شاخصه‌هایی که برای سنت‌گرایی و مدرنیته تعریف می‌شوند اغلب در مخالفت با یکدیگر قرار دارند، اما باید توجه داشت سنت‌های هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است. علاوه بر این، این سنت‌ها در هر روز در معرض تغییر و دگرگونی هستند (Huntington, 1971: 294). وی همچنین معتقد است که سنت و مدرنیته با هم در ارتباط تقابلی هستند، به طوری که وقتی مدرنیزاسیون رخ می‌دهد، ارزش‌ها و رویه‌های آن به ارزش‌ها و رویه‌های سنتی پیشین افزوده می‌شوند. نکته جالب در بحث هانتینگتون، تفاوت میان مدرنیزاسیون^۱ و مدرنیته^۲ است؛ در واقع یک کشور می‌تواند به مدرنیزاسیون دست یابد، بدون اینکه واقعاً مدرن باشد. این زمانی اتفاق می‌افتد که این جامعه به شاخصه‌های مدرن شدن دست یابد، برای مثال به سطح بالایی از باسوادی در جامعه برسد و یا از علوم پزشکی و درمان‌های مدرن استفاده کند، ولی سایر جنبه‌های مدرنیته را توسعه نبخشد (Huntington, 1971: 296-297).

از سوی دیگر، هانتینگتون مدرنیزاسیون را روندی چندوجهی می‌داند که شامل تغییر در تمام حوزه‌های فکری و فعالیتی افراد در جامعه در حال توسعه است؛ تغییر در ارزش‌ها، رفتارها و خواست‌ها. در مرحله فکری، مدرنیزاسیون شامل گسترش قابل توجهی در دانش افراد نسبت به محیط

1 . Modernization

2 . Modernity

پیرامونی و انتشار دانش خود از طریق افزایش میزان باسوادی، ارتباطات جمعی و آموزش است. از منظر مردم‌شناسی، مدرنیزاسیون تغییر در سبک زندگی را در بر می‌گیرد؛ افزایش امید به زندگی، ارتقاء سطح بهداشت، افزایش پویایی‌های شغلی و جغرافیایی و رشد جمعیت شهری در مقایسه با روستایی. در بُعد اجتماعی، مدرنیزاسیون باعث می‌شود خانواده‌ها نقش‌های دیگری را نیز پذیرند که عملکردهای خاصی را برای آن‌ها تعریف می‌کند (Huntington, 1968: 32-33). هانتینگتون معتقد است اکثر نظریه‌پردازان در موضوع مدرنیزاسیون معتقدند که این مقوله دارای ویژگی است:

اول اینکه یک «روند انقلابی»^۱ است. چرا که تغییر از یک جامعه سنتی به جامعه‌ای مدرن نیازمند تغییرات شدید، ناگهانی و گسترده در تمامی ابعاد زندگی است. ویژگی دوم، «پیچیده بودن»^۲ این روند است. نمی‌توان مدرنیزاسیون را به یک وجه یا مؤلفه تقلیل داد. در واقع این فرایند تمام ابعاد رفتاری و فکری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ساده‌ترین حالت ممکن، مدرنیزاسیون مؤلفه‌هایی نظیر صنعتی شدن، شهری شدن، تحرک اجتماعی، تفکیک، سکولاریزه کردن، گسترش رسانه، افزایش سواد و آموزش و گسترش مشارکت سیاسی را شامل می‌شود. سومین مشخصه، «نظام‌وارگی»^۳ روند مدرنیزاسیون است. بدین شکل که تغییر در یک حوزه و مؤلفه، بر سایر مؤلفه‌ها و حوزه‌ها نیز دارای تأثیر است. «جهانی بودن»^۴، ویژگی چهارم مدرنیزاسیون از دیدگاه هانتینگتون است. در واقع روندی که در قرون ۱۵ و ۱۶ در اروپا آغاز شد، اکنون تقریباً به تمام جهان سرایت کرده است. تمام جوامع، که پیش‌تر سنتی بودند، امروز یا مدرن شده و یا در مسیر مدرن شدن قرار دارند. ششمین ویژگی مدرنیزاسیون ناظر بر «طویل بودن»^۵ روند آن است. هرچند از منظر میزان تغییراتی که مدرنیزاسیون در جامعه ایجاد می‌کند، نوعی روند انقلابی به شمار می‌آید، اما از منظر زمانی که برای پیاده شدن کامل این روند در جامعه لازم است، «روندی تکاملی»^۶ به حساب می‌آید. ششمین مشخصه

- 1 . revolutionary
- 2 . complex
- 3 . systemic
- 4 . global
- 5 . lengthy
- 6 . evolutionary

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

مدرنیزاسیون، «مرحله‌مندی»^۱ آن است. در واقع این روند، دارای مراحل متعدد و زیرمرحله‌های گوناگون است. در هفتمین توصیف، هانتینگتون مدرن‌شدن را روندی «یکسان‌کننده»^۲ می‌داند. هر چند جوامع سنتی هیچ وجه اشتراکی جز مدرن نبودن ندارند، جوامع مدرن دارای شباهت‌های اساسی و ساختاری هستند. ویژگی هشتم مدرنیزاسیون سخن از «بازگشت‌ناپذیری»^۳ این فرایند به میان می‌آورد. ممکن است در برخی ابعاد مدرنیزاسیون، عقب‌گردهایی رخ دهد، اما در مجموع این فرایند، حرکتی یک‌طرفه و روبه‌جلو دارد و در نهایت نهمین و آخرین ویژگی مدرنیزاسیون، «پیش‌رونده بودن»^۴ آن است. مدرن شدن نه تنها فرایندی اجتناب‌ناپذیر، بلکه مطبوع و مطلوب نیز هست و طبق نظر هانتینگتون، به تمام سختی‌ها و هزینه‌های فازهای اولیه‌اش، می‌آردز (Huntington, 1971: 288-290).

۲-۲- نظریه ثبات سیاسی ساندرز

ثبات و بی‌ثباتی از مفاهیم پرستفاده در ادبیات سیاسی است. ثبات سیاسی متوجه حفظ نظام سیاسی است. هر کس که از این مفهوم سخن به میان می‌آورد، دیرپایی و پایایی نظام سیاسی را مدنظر قرار داده است. از مفهوم ثبات سیاسی، دو تعریف بیش از سایر تعاریف مشهور است. یک تعریف، ثبات سیاسی را به معنای استمرار یک نظام دموکراتیک می‌داند و عدم تداوم آن را معادل بی‌ثباتی در نظر می‌گیرد. در تعریف دوم ثبات سیاسی یک مفهوم هنجاری تلقی می‌شود. در واقع بر اساس این تعریف، ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی یک نظام را باید با هنجارهای حاکم بر آن نظام سنجید. به عبارت دیگر، ثبات سیاسی در این تعریف حالتی نسبی دارد و میزان ثبات یک نظام نسبت به نظام دیگر ممکن است کمتر یا بیشتر باشد، فلذا نمی‌توان گفت یک نظام مطلقاً با ثبات یا بی‌ثبات است. برای تحقیق پیش‌رو، استفاده از دومین مفهوم‌سازی از ثبات سیاسی مناسب‌تر است؛ بنابراین میزان ثبات سیاسی و عوامل ایجاد بی‌ثباتی در نظام مورد نظر، بر اساس هنجارهای همان جامعه خواهد بود (خواجه‌سروی، ۱۳۸۲: ۲۷).

- 1 . phased
- 2 . homogenizing
- 3 . irreversible
- 4 . progressive

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

ساندرز^۱ از جمله محققینی است که در این زمینه پژوهش کرده و مفهوم ثبات سیاسی را تعریف و شاخص سازی نموده است. او در کتاب «الگوهای بی ثباتی سیاسی» بیان می کند که ثبات یک سیستم به معنای کاملاً ایستا و بدون تغییر بودن آن نیست. در واقع او ثبات سیاسی مدنظر او، دارای پویایی درونی است. او ثبات را ناظر بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی ثبات کننده می داند که از طرق مختلف؛ تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت، به صورت مسالمت آمیز یا خشونت آمیز، به چالش با قدرت های سیاسی موجود و یا خود ساختار اقتدار سیاسی می انجامد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۶).

ساندرز برای ارائه مفهوم ثبات سیاسی ۵ ویژگی را برمی شمارد: اول اینکه، همان طور که پیش تر هم بیان شد، تعریف مزبور باید ثبات سیاسی را پدیده ای نسبی و مستمر بداند. دوم اینکه به تأثیر زمان بر تغییر وضعیت ثبات/ بی ثباتی توجه کند، لذا واحدهای زمانی مورد استفاده در تحلیل باید بر پایه وضعیت های سیاسی نسبتاً کوتاه مدت باشد. سومین ویژگی این باید باشد که از ویژگی های جزئی برای ارزیابی از یک وضعیت سیاسی خاص استفاده شود. مورد چهارم نیز این است که یک تعریف خوب، باید شامل انواع مختلفی از بی ثباتی باشد. ویژگی پنجم نیز دوری از اتهامات قوم محورانه را برای یک تعریف مطلوب را ضروری می داند تا بتوان آن را در ملت های مختلف و مقاطع زمانی گوناگون مورد استفاده قرار داد. در این راستا، ساندرز ابعاد گوناگونی را برای بیان انواع متفاوت بی ثباتی برمی شمارد و آن ها را شاخص سازی می نماید. شاخص های ساندرز به شرح ذیل است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۶۴-۷۰):

ردیف	مفهوم	شاخص
۱	تغییر رژیم	تغییر در هنجارهای رژیم تغییر در نوع نظام حزبی تغییر در وضعیت نظامی-غیر نظامی
۲	تغییر حکومت	تغییر در قدرت اجرایی موثر تغییرات کابینه
۳	چالش های خشونت آمیز	ترور، جنگ تروریستی، تروریسم سیاسی

1 . David Sanders

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

مرگ ناشی از خشونت سیاسی شورش تلاش برای کودتا		
اعتصابات سیاسی یا تهدید به اعتصاب تظاهرات اعتراض‌آمیز تحریکات انتقادی مخالفان سخن‌رانی‌های ضدحکومتی به وسیله رهبران فکری	چالش‌های مسالمت‌آمیز	۴

در نهایت ساندرز تعریف خود از بی‌ثباتی را چنین بیان می‌کند: «معیاری که بتوان به وسیله آن یک نوع نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان بی‌ثبات خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه نسبت مستقیم دارد، یعنی این که تا چه حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آن شده‌اند» (ساندرز، ۱۳۸۲: ۷۴).

در مجموع، برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، لازم است از هر دو چارچوب مفهومی ارائه شده در این بخش استفاده کرد؛ از مفهوم مدرنیزاسیون و شاخص‌های مدنظر هانتینگتون برای بررسی روند فرایند مدرن شدن در کشور سعودی و مفهوم بی‌ثباتی ساندرز برای بررسی تأثیر تغییرات ناشی از مدرنیزاسیون بر ثبات جامعه، رژیم و حکومت این کشور.

۳- روند نوسازی در عربستان سعودی

۳-۱- پیشینه مدرنیزاسیون در عربستان

هرچند خاندان سعودی در مراحل اولیه تأسیس حکومت خود نهادهای دینی را قوت بخشیدند و از این باب برای خود مشروعیت حاصل نمودند، اما در مراحل و دوره‌های بعدی، مشخصاً پس از کشف نفت و ورود به مسیر مدرن شدن، برخی از این نهادها را محدود و دستشان را از قدرت کوتاه کرد (Weston, 1987: 90). از اواخر دهه ۱۹۶۰ بود که عربستان به صادرات نفت توجه بیشتری کرد. تا آن زمان، عمده درآمد عربستان از طریق مراسم حج بود. طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵، نخستین برنامه توسعه این کشور، ثروتی بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار را بدون ایجاد هیچ پیشرفتی به هدر

داد. این مبلغ عمدتاً صرف وابستگی بیشتر اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور سعودی شد. برنامه پنج ساله بعدی، که هزینه‌ای معادل ۱۴۸ میلیارد دلار داشت، توسط کسانی خرج شد که خود هنوز در دوران قدیم زندگی می‌کردند و بخش اعظم بودجه را صرف خرید تسلیحات نظامی کردند. ورود ارز نفتی از عربستان به صندوق‌های مالی غرب، بحران نظامی-صنعتی غرب را تا حد زیادی حل نمود (آقایی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳). ملک عبدالعزیز متوجه شد نمی‌توان کشور را آن‌گونه که آموزه‌های وهابیت معتقد است، اداره کرد. به همین دلیل او بر خلاف مخالفت‌های مفتیان و به ویژه جمعیت الاخوان، ورود صنایع جدید مانند تلفن و تلگراف و برق و اتومبیل را به آن‌ها قبولاند. البته در مسیر انجام این تحولات، به دفعات متوسل به زور شد و بسیاری از مخالفانش را گردن زد و بینی برید (آقایی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۳-۲- مدرنیزاسیون در دوران ملک عبدالله

ملک عبدالله از سال ۲۰۰۶ رسماً پادشاه عربستان شد، اما یک دهه پیش از آن به عنوان نایب‌السلطنه بالقوه، در رأس امورات کشور بوده و به عنوان یک دیپلمات در فضای بین‌المللی شناخته شده بود. ملک عبدالله علاقه زیادی به ایجاد اصلاحات نشان داد؛ او تلاش نمود تا عادات بیش از حد راحت‌طلبانه و سهل‌خانواده‌اش را تحت کنترل در آورد و به مشکل‌هشدار دهنده بیکاری جوانان پردازد. او راه این کار را در لیبرالیزه کرده اقتصاد برای تشویق و تحریک توسعه مالکیت خصوصی می‌دید. هر چند واکنش او در پی بهار عربی، برخی از لیبرال‌های سعودی را ناامید کرد. او نظام سیاسی این حکومت را دست‌نخورده باقی گذاشت. در واقع به جز انتخابات شوراها که قدرت حقیقی اندکی داشت، تنها اصلاح سیاسی او، ایجاد شورایی از خاندان حاکم برای نظم بخشیدن به روند جانشینی در خانواده سلطنتی بود (Reuters.com, 2015). در سال ۲۰۰۳، زمانی که عبدالله ولیعهد بود، اقدام به تأسیس «مرکز گفتگوی ملی» کرد و آن را گامی مهم برای ارتقاء تبادل عقاید عمومی در نظام مشورتی عربستان دانست. در اواخر همین سال نیز شورای دانش‌آموزی با هدف آموزش مفاهیم مسئولیت‌های مدنی و حاکمیت مشارکتی گشایش یافت (سردارنیا و نوروزی امیری، ۱۳۹۳: ۳۶۷).

اصلاحات او آرام بودند و فقط بخش‌هایی از آن با موفقیت روبه‌رو شدند، اما این اقدامات در مجموع عبدالله را به یک رهبر محبوب در میان جمعیت روزافزون جوانان سعودی کرد. یکی از

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

اولین اقدامات او به عنوان پادشاه، ممانعت از ولخرجی شاهزادگان بود؛ وی آن‌ها را وادار نمود تا قبوض تلفن و هزینه‌های سفرهای هوایی خود را بپردازند. او همچنین در ابتدای دوران حکومت از محل زندگی سعودی‌هایی که در محلات فقیرنشین و پست شهری زندگی می‌کردند دیدار کرد؛ مسئله‌ای که باعث برانگیختن تحسین مردم شد، چرا که این اولین باری بود که دولت علناً وجود فقر در کشور را پذیرفته بود (Reuters.com, 2015).

در دوران ملک عبدالله، برخی بر این عقیده بودند که در حاشیه بودن جامعه و فرصت‌های بسیار محدود مشارکت سیاسی، باعث ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی، از جمله وضعیت اشتغال زنان، نظام آموزشی و افراط‌گرایی شده است؛ فلذا تغییر وضعیت شدید سیاسی از اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی به پادشاهی مشروطه را خواستار بودند (Al-Rasheed, 2009: 596). در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، بیش از ۶ عریضه برای ملک عبدالله ارسال شد که خواهان آزادی‌های اساسی و مشارکت‌های سیاسی بودند. برخی این دوره را «بهار ریاض» نامیدند یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره تأسیس سازمان غیردولتی حقوق بشر، متشکل از ۴۱ زن و مرد بود. وظیفه این سازمان نظارت بر رعایت حقوق بشر در این کشور و دفاع از حقوق زنان در جامعه مردسالار بوده است (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

اولین انتخابات در عربستان سعودی در سال ۲۰۰۵ برگزار شد که در آن، نیمی از شوراهای شهرهای مختلف عربستان، از طریق آراء مردمی انتخاب شدند؛ اعضای این شورا تا پیش از آن تماماً توسط پادشاه منصوب می‌شدند (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۲۷). ملک عبدالله برای اولین بار یک زن را به پست معاون وزارت آموزش و پرورش منصوب کرد؛ اقدامی که برخی آن را کودتایی علیه دستگاه وهابیت تفسیر کردند (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۲۸).

۳-۳- مدرنیزاسیون در دوران ملک سلمان

موج جدید نوسازی در دوران پادشاهی ملک سلمان آغاز شده است، هر چند واضح است که پیش‌برنده اصلی این طرح، ولیعهد وی محمد بن سلمان است که عهده‌دار اصلی امورات کشور به صورت دوفاکتو می‌باشد. او به عنوان رهبری از نسل جدید، برنامه‌های توسعه‌ای گسترده‌ای راه، البته

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

به همراهی کارشناسان اروپایی و آمریکایی، تحت عنوان افق ۲۰۳۰ تدوین نموده که هدف اصلی آن، متنوع سازی اقتصاد عربستان و کاهش تکیه به نفت می باشد.

در بعد اجتماعی، افق ۲۰۳۰ دو وجه کلی را شامل می شود: زنانه کردن^۱ و جوان کردن نیروی کار، به ویژه در بخش خدمات مدنی. در واقع با وجود ناآرامی های اجتماعی در چند سال گذشته، جامعه سعودی انعطاف پذیری بالایی فوق العاده و ظرفیت بالایی برای سازگاری با روند جدید نشان داده است. در واقع این طور به نظر می رسد که حاکمان جدید سعودی در پی نئولیبرالیزه کردن کشور هستند، هر چند همچنان پای در اتوکراسی و سرکوب قبلی خود دارند (security and defense magazine, 2021).

روند نوسازی در دوران ولیعهدی بن سلمان، دارای مؤلفه های گوناگونی است که بر اساس مؤلفه هایی که هانتینگتون به آن ها اشاره کرده است، در ادامه به تفکیک بیان می شوند. لازم به ذکر است که عمده تحولات و تغییرات مورد بررسی در سال های اخیر رخ داده اند و ذیل دوران بن سلمان مطرح می شوند، اما به نیاز هر بخش، اشاراتی به پیشینه تاریخی آن نیز خواهد شد.

۴ - شاخص های نوسازی

۴-۱ - جمعیت

عربستان سعودی ۳۶،۶۸۴،۹۰۵ جمعیت دارد. نرخ رشد جمعیت در این کشور ۱،۰۸٪ است و از جهت رشد جمعیت، رتبه ۱۷۱ام جهان است. پیش بینی می شود تا حدود سال ۲۰۶۰، روند افزایش جمعیت در این کشور ادامه داشته باشد و پس از آن، نمودار افقی شده و رشد جمعیت متوقف خواهد شد. لازم به ذکر است که ۸۳،۸٪ جمعیت عربستان در شهرها زندگی می کنند (worldpopulationonreview.com, 2022). این جمعیت شهرنشین، در بحث از اشتغال، تحصیل و نیازهای جامعه مدرن شاخص مهمی به حساب می آیند. براساس آمار سازمان ملل متحد نیز، امید به زندگی در عربستان سعودی از ۶۸،۹۴۸۵ در سال ۱۹۹۰، به ۷۷،۹۰۵ در سال ۲۰۲۲ رسیده است (data.un.org, 2022).

- 1 . Vision 2030
- 2 . Feminization

۴ - ۲ - هویت

خاندان حاکم سعودی برای ماهش مخالفت‌های بالقوه و کنترل مشروعیت‌زدایی از حکومت، ارکان غیراقتصادی دیگری را به عنوان جایگزین مشروعیت خود ارائه کرده و می‌کند؛ این ابزار، تأکید بر ملی‌گرایی در گفتمان رسمی و در رسانه‌ها و همچنین تأکید بر نقش دولت به عنوان حامی امنیت در مقابل تهدیدات منطقه‌ای بوده است (32: vision 2030 achievements, 2020). با اینکه تصور می‌شود هویت سعودی‌ها بیشتر مبتنی بر هویت دینی است، اما باید توجه کرد که هویتی اسلامی-وهابی، تنها بخشی از پایه‌های هویتی مردم این منطقه است. اساس هویت ملی سعودی را در سه مورد می‌توان عنوان کرد: اول، جمعیت یکنواخت است؛ از دوران باستان، جمعیت این منطقه از یک هم‌رنگی و یکسانی برخوردار بوده که آن را از سایر بخش‌های جهان عرب متمایز می‌کرده و در زبان و دین و مذهب مشترک تثبیت شده است. مورد دوم، تاریخ و فرهنگ مشترک است؛ حافظه تاریخی مشترک از فتوحات و عظمت گذشته و نظامی از ارزش‌های اجتماعی مورد توجه مانند وفای به خانواده، مهمان‌نوازی، بخشندگی و شجاعت از مؤلفه‌های اشتراک فرهنگی و تاریخی هویت بخش به مردم این منطقه است. و مورد سوم، اتحاد در پاسخ به مدرنیزاسیون است. بر این اساس می‌توان فهمید مردم عربستان از دهه‌ها قبل‌تر، هویت ملی به عنوان عرب ساکن در شبه‌جزیره، بیش از هویت اسلامی-وهابی مطرح بوده است. همین مسئله یکی از مواردی است که روند نوسازی در عربستان را با چالش کمتری مواجه می‌کند؛ چرا که از جمله نکات مورد تأکید در افق ۲۰۳۰، هویت ملی، غرور ملی و اتحاد ملی است.

یکی از وجوه تمایز نوسازی در ایران در عصر پهلوی با آنچه در عربستان در حال رخ دادن است نیز همین مسئله است. در واقع در ایران فشار ناسیونالیسم از بالا به پایین بود و در تقابل با انگاره‌های دینی مورد پذیرش مردم قرار گرفت. از همین رو نتوانست اقبال جامعه و پذیرش آن را برای خود به ارمغان آورد. اما در عربستان این روند هم کندتر انجام شده (دیلیمی معزی، ۱۳۸۶) و همواره در پی تلفیق آموزه‌های دینی و مؤلفه‌های مدرنیزاسیون بوده است و از انجایی که مردم عربستان خود را بیگانه از هویت ملی ندانسته‌اند، نوسازی در این کشور از منظر هویتی چالش‌چندانی برای حکومت نخواهد داشت. به‌ویژه اینکه از تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی، همین طبقه متوسط جدید است که خود نیروی پیش‌برنده روند نوسازی به حساب می‌آید.

۴-۳- وضعیت زنان

وضعیت زنان در عربستان به عنوان نمادی از زن مسلمان در جهان شناخته می‌شود و به اوضاع زنان در سایر کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه و مالزی، به عنوان الگویی از زن مسلمان توجه نمی‌شود. برای فهم نگاه حکومت سعودی به زنان، باید هم قرائت و هابیت از اسلام، هم شرایط راننیر و مردسالارانه بودن حکومت، و هم سنت‌های قبیله‌ای را بررسی کرد. گزارش جهانی فاصله جنسیتی از مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۲۱ عربستان سعودی را از لحاظ برابری جنسیتی در رتبه ۱۴۷ام در میان ۱۵۶ کشور قرار داد (jerusalempost.com, 2021).

سال‌های اخیر، با توجه به افزایش حضور دختران در مدارس و زنان در دانشگاه‌ها و درسطوح آموزش عالی، ورود بیشتری از بانوان در عرصه کار شاهد هستیم. طبق آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۲۰، ۹۶٪ زنان سعودی باسواد بوده‌اند. همچنین شاخص توازن جنسیت در مسئله آموزش، از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ معادل یک بوده است که این به معنی برابری دختران و پسران در دریافت آموزش می‌باشد (worldbank.com, 2022).

جایگاه اجتماعی زنان در جامعه سعودی همواره مورد مناقشه و بحث بوده است. در چند سال اخیر، همزمان با فشارهای بین‌المللی بر دولت سعودی برای دادن فضای بیشتر به زنان، و همچنین افزایش چشمگیر آمار بانوان با تحصیلات عالی که طبیعتاً تقاضای شغل بیشتری را نیز در پی دارد، آزادی‌های اجتماعی به زنان داده شده که واضح‌ترین نمود آن حق رانندگی و اجازه حضور در بخش عمومی رستوران‌ها بدون جدا نشستن از سایرین است. هرچند به نظر می‌رسد این اقدامات، صرفاً برای پاسخگویی به افکار عمومی بین‌المللی است و قوانین مربوط به همراهی محارم و ازدواج و طلاق همچنان مردسالارانه باقی مانده‌اند و بسیاری از خانواده‌ها همچنان پای در سنت‌های محدودکننده قدیمی دارند، اما همین آزادی‌های نسبی در این جامعه قابل توجه است و با عنایت به این نکته که نسل جدید، هم زنان و هم مردان، نگاه متفاوتی به مسئله جنسیت دارند و آنانی که در کشورهای غربی تحصیل کرده‌اند، متأثر از نگاه‌های مدرن نسبت به زنان هستند. آنچه که احتمالاً در این روند می‌تواند چالش ایجاد کند، وهابیان نادیده گرفته شده و مفتی‌های رادیکال هستند.

۴ - ۴ - رسانه و مطبوعات

در چند دهه اخیر، شکوفایی نفتی هم باعث افزایش تعداد افراد باسواد شده و هم دسترسی مردم به مطبوعات، رادیو و تلویزیون و فضای مجازی را افزایش داده است. البته رسانه‌های گروهی مستقل از ساختار سیاسی حاکم رفتار نمی‌کنند. کمتر روزنامه‌نگار مستقلی را می‌توان یافت که در بیان اخبار و تحلیل و قضاوت آن‌ها، مستقل عمل کرده باشد (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۰۲). ماجرای جمال خاشقچی از نمونه‌های آشکار سرکوب انتقاد از حاکمیت - هرچند انتقادی کاملاً اجتماعی بدون رنگ و بوی سیاسی است.

عربستان سعودی از این منظر که در قانون اساسی خود از آزادی بیان حمایت نمی‌کند، از سایر کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] متمایز است (Human Right Report, 2017). قانون انتشار و چاپ که در سال ۲۰۰۳ تصویب شد، مقررات مربوط به رسانه را گسترش داد؛ این رسانه‌ها شامل کتاب، نقاشی، نوشته، عکس، فیلم، فایل‌های ضبط شده، رادیو و تلویزیون می‌شود. بر اساس این قانون، تمام فعالیت‌های ذکر شده باید دارای مجوز از سوی دولت باشند (Saudiembassy.net, 2003).

۴ - ۵ - طبقه متوسط جدید

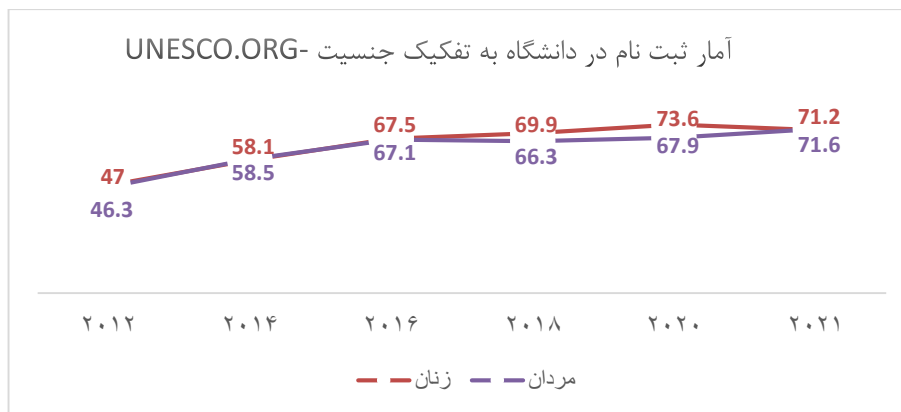
از زمانی که دلارهای نفتی تبدیل به پشتوانه‌ای محکم برای اقدامات سیاسی و اقتصادی شد، مقامات سعودی بر آن شدند که نیروهای متبحر، مدرن، با معلومات و حرفه‌ای تربیت کنند تا بتوانند توده مردم را با اصلاحات مورد نظر خود همراه سازند. از این رو جوانان علاقمند با حمایت دولت سعودی، راهی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی غرب شده و پس از بازگشت به کشور، دارای نقش‌هایی در بافت سیاسی اجتماعی گردیدند. این گروه یک طبقه اجتماعی به نام «طبقه متوسط جدید» را تشکیل دادند که علاقه وافری سنت‌ها و رسوم غربی داشتند (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۰۵). طبقه متوسط جدید که با نام‌های دیگری همچون «نخبگان جدید» و «طبقه متوسط شهری» در میان اندیشمندان شناخته می‌شوند. این طبقه شامل دیوانی‌ها و روشنفکران می‌شود؛ روشنفکران مانند حقوقدانان، پزشکان، مهندسان، و کلا، نویسندگان، هنرمندان و صاحب مشاغل آزادند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). طبقه متوسط جدید در دستگاه‌های اداری، آموزشی و نظامی جذب شده و رشد کرده‌اند و منشا ظهور چند جریان عمده در عربستان شده‌اند؛ روشنفکران آزادی‌خواه، منتقد شیعی، و اسلامگرایان

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اصلاح طلب. اصلاح طلبان اجتماعی منتقدان سرسخت محافظه کاری دینی و اجتماعی هستند و شاخص ترین آن‌ها، موسوم به التقذیان، وهابیت را عامل اصلی افراط گرایی دینی و فرهنگ سرکوب و اختناق می‌دانند. عده‌ای دیگر از این جریان، تغییر اجتماعی را مرجح بر نوسازی سیاسی می‌دانند و معتقدند در صورت عدم نوسازی بنیادی اجتماعی و دینی، تغییرات سیاسی به بروز فاجعه منجر خواهد شد (سردارنیا، ۱۳۸۹: ۷۷). این طبقه با توجه به زمینه‌های تحصیلاتی و نفوذ در دستگاه‌های اداری، ظرفیت بالایی برای اعتراض نسبت به مسائل اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی دارند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۴).

۶-۴ - آموزش

از مهم ترین ابعاد تحولات در جامعه سعودی، گسترش آموزش‌های نوین بوده است. در چند دهه اخیر آمار افراد باسواد افزایش چشمگیری داشته است. آمار باسوادی در میان زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله سعودی، در سال ۲۰۲۰، ۹۹٫۴۵٪ بوده که بالاترین نرخ در ۲۸ سال اخیر است. این آمار برای مردان در همین دوره سنی، ۹۹٫۴۵٪ درصد می‌باشد. در مجموع نرخ باسوادی برای افراد بالای ۱۵ سال در این کشور، ۹۷٫۵۹٪ در سال ۲۰۲۰ ارزیابی شده است (indexmundi.com, 2020). این تحول بستر مناسبی برای دگردیسی فرهنگی در این جامعه می‌باشد و در پی افزایش افراد باسواد و البته تحصیل کرده و در حال تحصیل در مقاطع عالی، باورهای دموکراتیک، اصلاح طلبانه، قانونمند و استبدادستیز نیز افزایش یافته و مردم به ویژه جوانان خواهان نظارت پذیری حکومت هستند و خواهند بود.



بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

در راستای نوسازی‌های مبتنی بر افق ۲۰۳۰، مدرنیزاسیون آموزش مدارس در تلاش است تا «عربستان جدید» ساخته و شهروندانی تربیت کند که متعهد به ارزش‌های مطرح در افق ۲۰۳۰ باشند. بنابراین، آزاد کردن مدارس از تسلط وهابیت، یکی از گام‌های تحول حکومت است. تصمیم سال ۲۰۱۸ احمد العیسی، وزیر لیبرال مآب آموزش سعودی، مبنی بر لغو برنامه «توعیه الاسلامیه» (آگاهی اسلامی)، نقطه عطفی در تاریخ نظام آموزشی سعودی بود. جایگزین این برنامه که به عقیده مخالفین آن، تعصب و تندروی را در دانش‌آموزان برمی‌انگیخت، برنامه «وعی الفکری» (حساسیت فکری) است که با ستایش شهروندی، جوانان را از اهمیت باز بودن در برابر فرهنگ‌های خارجی آگاه می‌سازد. آموزش تفکر انتقادی و فلسفه در مدارس عربستان، بخش دیگری از روند وهابیت‌زدایی از نظام آموزشی این کشور در راستای طرح فرهنگی «انفتاح» (گشایش) می‌باشد (Bassiouni, 2022).

هانتینگتون معتقد است در جوامع دستخوش نوسازی، معمولاً دانشجویان فعال‌ترین و مهم‌ترین نیروی طبقه متوسط را تشکیل می‌دهند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۳۳). آمار بالای دانشجویان به ویژه زنان می‌تواند نشان‌دهنده افقی برای رفم‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تری در آینده باشد. اگر آزادی‌های اجتماعی در حوزه زنان نتواند نیازها و انتظارات واقعی آن‌ها را برطرف سازد، آمار تحصیل‌کردگان دانشگاهی که معمولاً از قشر روشنفکر جامعه به حساب می‌آیند، ظرفیت بالقوه‌ای برای پیگیری هر چه بیشتر و شدید‌العمل‌تر مطالبات خود خواهند داشت.

۴-۷- اقتصاد

ثروت حاصل از نفت تأثیر قابل مشاهده‌ای در فرهنگ سعودی داشته است. مردم این کشور با بهره‌مندی از منابع نفتی، دچار نوعی راحت‌طلبی شده که این خود به کاهش روحیه پویایی، مشارکت‌طلبی، ایده‌پردازی و سخت‌کوشی شده است. با وجود این که بر اساس آخرین آمار Trading economics، ۵٫۸٪ بیکاری در این کشور وجود دارد (tradingeconomics.com)، سعودی‌ها از پذیرش عمده مشاغل سطح پایین‌تر مانند مشاغل خدمات‌دهنده سرباز می‌زنند و کارگران خارجی از جمله هندی، فیلیپینی و یمنی متصدی این امور هستند. در مجموع اقتصاد رانتی پیامدهایی برای جامعه در پی دارد؛ از جمله: خودکامگی دولت نسبت به جامعه و استقلال دولت از جامعه، افزایش محافظه‌کاری و نهادینه شدن فرهنگ تبعی به

جای فرهنگ مشارکت سیاسی، جلوگیری از نهادینه شدن نهادهای مدنی، افزایش سرکوب مخالفان و افزایش سازوکارهای کنترلی در جامعه، افزایش فساد در دستگاه‌های حاکمیتی و رواج مصرف‌گرایی و عدم توسعه اقتصاد مولد (سردارنیا و نوروزی امیری، ۱۳۹۳: ۳۵۳).

باتوجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد جمعیت عربستان را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند، بن‌سلمان توجه ویژه‌ای به مسئله اقتصاد داشته است. او به این نتیجه رسید که اقتصاد رانتیر بی‌ثبات بوده و با توجه به افزایش جمعیت و کاهش ذخایر نفتی، باید به فکر سایر اشکال ایجاد درآمد افتاد. به همین منظور او با همکاری مک‌کینزی، «افق ۲۰۳۰» را طراحی کرد که نوعی اصلاح ساختاری برای اقتصاد عربستان در دوران پسانفت است. در همین راستا به مقوله توریسم، سینما، کنسرت، ورزش و در مجموع بخش سیاحتی و تفریحی توجه شده است. بن‌سلمان در پی جذب سرمایه خارجی برای اشتغال‌زایی در این کشور بوده است (Chara, 2018: 230).

۸-۴ - احزاب و تشکل‌های سیاسی

در عربستان ایجاد هرگونه حزب و تشکل ممنوع می‌باشد. احزاب و گروه‌های سیاسی این کشور به عنوان معارض، فعالیت‌های مخفیانه و زیرزمینی دارند و عمده رهبران آن‌ها از همان طبقه متوسط هستند. بیشتر احزاب موجود شامل سازمان‌های چپ‌گرا و ناسیونالیست با خط مشی ناصری، و یا دارای مشی اسلامی مانند حرکه الاصلاحیه، جماعه الدعوه و جنبش اخوان هستند. این جنبش‌های اصلاح‌طلب، در اتحاد و ائتلاف با سایر تشکل‌های طبقه متوسط جدید و جامعه مدنی، ظرفیت بالایی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق سیاسی و گذار از وضعیت موجود را فراهم می‌آورد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۲).

آنچه در بحث نوسازی و در موضوع احزاب حائز اهمیت است، نقش این تشکل‌ها و احزاب در ثبات سیاسی است. ساماندهی این گروه‌ها باعث نهادمندی مشارکت سیاسی می‌شود. این مهم زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که حکومت مستقر نتواند مشروعیت نظام را تأمین کرده و اقتدار آن را حفظ کند. در این شرایط، این نهادهای سیاسی مدرن هستند که وظیفه حفظ اقتدار و ثبات نظام سیاسی را عهده‌دار خواهند بود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۲)؛ و از آنجایی که موجودیت، اعتبار و فعالیت این احزاب بر طبقه متوسط جدید متکی است، برای بررسی ثبات نظام در آینده، باید ویژگی‌های

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

کمی و کیفی طبقه متوسط جدید و میزان نهادمندی احزاب و دامنه عملکرد آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر سنجید.

کشور	رتبه دموکراسی در جهان	فرایند انتخابات و پلورالیسم	عملکرد دولت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی‌های مدنی	مجموع نمره
عربستان	۱۵۶	۰،۰۰	۳،۵۷	۲،۲۲	۳،۱۳	۱،۴۷	۲،۰۸

Democracy index, The Economic Intelligence Unit (2020)

حتی اگر عربستان کشوری لیبرال و مدرن به نظر برسد، تغییرات رخ داده در آن صرفاً حکومت محور هستند؛ تغییراتی در برخی بخش‌ها و حوزه‌ها اتفاق افتاده‌اند، اما قدرت همواره در دست دولت بوده و امکانی برای گفت‌وگوی ملی وجود ندارد. حتی در افق ۲۰۳۰ نیز بی‌توجهی به ابتکاراتی برای نمایندگی سیاسی و چندجانبه‌گرایی کاملاً مشهود است (El-Sissi, 2018: 43).

۵- ثبات/ بی‌ثباتی سیاسی

در بحث از چارچوب مفهومی، بیان شد که مفهوم ثبات یا بی‌ثباتی، نباید در دو سطح کاملاً جداگانه بررسی شود. در واقع این دو پدیده، در یک طیف پیوسته و مرتبط به هم قرار دارند و بی‌ثباتی را باید به صورت نسبی سنجید. با توجه به شاخص‌هایی که ساندرز برای بی‌ثباتی سیاسی ارائه داده بود، باید دید که تأثیراتی که مدرنیزاسیون بر جامعه سعودی گذاشته است، تا چه حد توانسته و می‌تواند ثبات سیاسی حکومت سعودی را دستخوش تغییر کند.

اولین مفهوم در بی‌ثباتی سیاسی، **تغییر رژیم** بوده است. اولین شاخص در تغییر رژیم، تغییر در هنجارهاست. ساندرز در توضیح هنجارها از مجموع آرای ایستون و بلوندل بهره می‌برد و در مجموع ۴ شاخص را بیان می‌کند: ۱- تغییر در اهداف (محور افراطی-محافظه‌کاری)؛ ۲- تغییر در شیوه‌ها (محور لیبرال-خودکامه)؛ ۳- تغییر در درجه مشارکت (محور الیگارش-دموکراتیک)؛ ۴- تغییر در نظام حزبی (وضعیت نظامی-غیرنظامی) (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۴۰). با توجه به اینکه گفته شد در بررسی مفهوم ثبات باید آن را در یک طیف پیوسته در نظر گرفت، باید این شاخص‌ها را به طور نسبی در جامعه سعودی سنجید. با توجه به سیر تغییراتی که در اواخر سده ۲۰ و آغاز سده ۲۱م تا کنون شاهد

بوده‌ایم، اهداف حکومت سعودی از طیف افراطی متأثر از اندیشه‌های وهابی، به سمت محافظه‌کاری پیش رفته که بتواند امیزه‌ای از مدرنیزاسیون لیبرالی را در دستور کار قرار داده و همزمان مانع از برانگیختن واکنش‌های رادیکال علمای وهابی شود.

درباره تغییر در شیوه‌ها و درجه مشارکت باید توجه داشت که حکومت سعودی تلاش داشته تا در هر چند در ظاهر، شیوه‌ی خودکامگی خود را با ایجاد فرصت‌های محدود برای مشارکت مردم کاهش دهد، اما تجربه برخورد با نظرات انتقادی و اعتراضات به موضوعات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکی از آن است که در این مسئله تغییر چندانی دیده نشده است. چرا که انتخابات شوراها، انتخاباتی نه چندان تأثیرگذار در پهنه سیاست‌گذاری سعودی بوده و صرفاً نیمی از این شورا با رأی‌گیری انتخاب می‌شوند و نیم دیگر توسط پادشاه برگزیده می‌شود. اما با توجه به آنچه که در شاخص‌های مدرنیزاسیون از جمله آمار افراد تحصیل کرده شهری، گسترش رسانه‌ها و رویکردهای آموزشی جدید، و همچنین جمعیت طبقه متوسط جدیدی که تحصیل کرده و خواهان ایفای نقش بیشتر در جامعه هستند بیان شد، به نظر می‌رسد روند فعلی الیگارشیک خودکامه با ورود بیشتر طبقه متوسط به دستگاه‌های دولتی، دسخوش تغییر خواهد شد و چنانچه حکومت سعودی فضای باز برای ایفای نقش این طبقه در مسائل گوناگون ایجاد نکند، رخداد بی‌ثباتی سیاسی امری غیرمحمول نخواهد بود.

در موضوع نظام حزبی، سه نظام عمده شناسایی شده‌اند که گذار از هر یک به دیگری می‌تواند باعث بروز بی‌ثباتی شود: نظام‌های حزبی رقابتی، نظام‌های حزبی غیررقابتی، و نظام‌های بدون حزب. همان‌طور که می‌دانیم، عربستان سعودی کشوری بدون حزب است. هر چند گروه‌هایی ذکر شدند که اهداف و برنامه‌هایی برای ایجاد تغییرات دارند و همچنین گروه‌های افراطی وهابی که در روند توسعه‌ای به‌ویژه در برنامه‌های بن‌سلمان به حاشیه رانده شده‌اند، ظرفیت بالقوه‌ای برای تلاش برای کسب صدا هستند. اما با روند حاکم بر نظام اجتماعی و سیاسی این کشور، نمی‌توان انتظار تغییر در ساختار حزبی، از یک کشور بدون حزب به کشوری با احزاب رقابتی داشت.

مفهوم دیگر در موضوع بی‌ثباتی، **تغییر حکومت** است. شاخص‌های تغییر حکومت بر خلاف تغییر رژیم، واضح و مشخص می‌باشند. بزرگترین نمود تغییر حکومت، تغییر در کل ساختار قدرت سیاسی و دگرگونی قدرت اجرایی مؤثر است که با وجود تمام تغییراتی که در جامعه سعودی رخ

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

داده، نمی‌توان انتظار تغییر حکومت در آینده نزدیک را داشت. شاخص دیگر، تغییر و تعدیل در قوه مجریه و تغییر در کابینه است. ساندرز این تغییر را «یک انتقال منظم در قوه مجریه» می‌داند که طی آن مقامات اجرایی از یک رهبر یا گروه حاکم به رهبر یا گروه حاکم دیگر منتقل می‌شود. با توجه به سیطره خاندان سعود بر کابینه و مناصب قوه اجرایی، چنین تغییری در نهایت خود شامل گروه‌بندی و رقابت میان شاهزادگان خواهد بود.

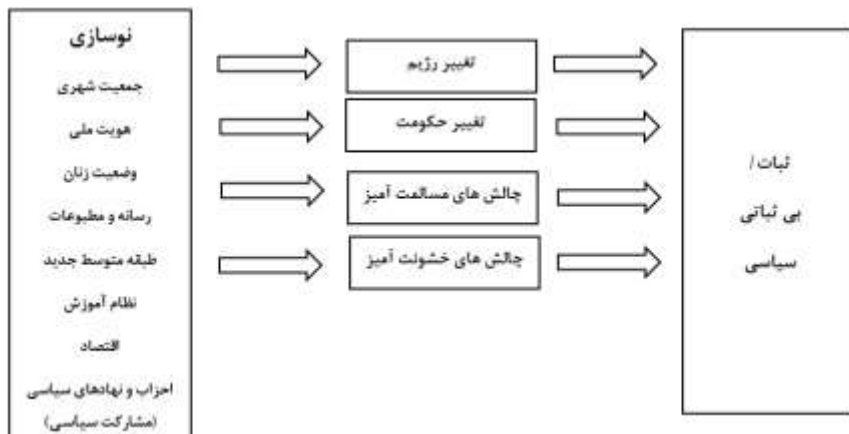
مؤلفه سوم پس از تغییر رژیم و تغییر حکومت، چالش‌های خشونت‌آمیز است. شاخص‌های این مفهوم هم اصولاً روشن است. چرا که شامل ترور، جنگ تروریستی، تروریسم سیاسی، مرگ ناشی از خشونت سیاسی، شورش و تلاش برای کودتا می‌شود. با اینکه نظام سیاسی عربستان فاقد حزب و فعالیت احزابی و حتی پارلمان است، جنبش‌ها و سازمان‌های اعتراضی گوناگونی در طول تاریخ این کشور فعالیت داشته‌اند. برخی از این احزاب و گروه‌های مبارز تفکرات بعثی داشته و تحت حمایت حزب بعث عراق و سوریه بوده‌اند. مهم‌ترین چالش امنیتی حکومت سعودی با گروه‌های مخالف و مبارز، مربوط به سال ۱۹۷۹، اندکی پیش از انقلاب اسلامی ایران است که طی آن، گروهی به رهبری «جهیمان العتیبی» با حمله‌ای مسلحانه ظرف مدت کوتاهی کعبه را به اشغال خود درآوردند و به مدت ۲۲ روز در مقابل نیروهای امنیتی سعودی مقاومت کردند. حکومت سعودی در نهایت با استمداد از نیروهای ویژه فرانسوی موفق به سرکوب آن شد. در پی این واقعه همچنین مشروعیت خاندان سعودی و شعارهای آن‌ها مبنی بر التزام کامل به اصول اسلامی، زیر سؤال رفت و بحران‌هایی برای این حکومت به وجود آورد که می‌توان گفت منشأ آغاز اصلاحات اجتماعی و تصمیم بر شنیدن خواسته‌های مردم بود (آقایی، ۱۳۹۴: ۷۷-۹۶).

اما در آغاز قرن ۲۱، شکل متفاوتی از اعتراضات شکل گرفتند. اسلامگرایان لیبرال، سردمدار این اعتراضات بودند که خود به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ گروهی که بیشتر در پی ایجاد اصلاحات اجتماعی بودند و نقد و هابیت را در دستور کار خود قرار داده بودند، به همین دلیل از سوی حکومت سعودی با مقاومت چندانی مواجه نشدند و اما دسته دیگر معترضین، خواستار اصلاحات و تغییرات سیاسی، از جمله ایجاد رژیم مشروطه سلطنتی و تشکیل پارلمان بودند. در زمان ملک عبدالله، امیرنایف طی جلسه‌ای با معترضین، آن‌ها را تهدید نموده و در سال ۲۰۰۴، عده‌ای از ایشان به جرم اخلال در همبستگی ملی دستگیر شدند. عده دیگر که خواهان اصلاحات سیاسی نبودند، آزاد

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

گذاشته شدند به شرطی که با اصلاح طلبان سیاسی مخالفت نکنند. در واقع حکومت سعودی از تاکتیک مقابل هم قرار دادن علما و منتقدان مذهبی و غیرمذهبی، برای کنترل اعتراضات استفاده کرد (جعفری ولدانی و جعفری، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

چالش‌های مسالمت‌آمیز آخرین مفهوم در مسئله ثبات/ بی‌ثباتی است که مشتمل بر شاخص‌هایی مانند اعتصابات سیاسی یا تهدید به اعتصاب، تظاهرات اعتراض‌آمیز، تحرکات انتقادی مخالفان و سخنرانی‌های ضدحکومتی به وسیله رهبران فکری است. مشکل این دسته‌بندی و مفهوم‌سازی این است که فرض بر این قرار داده شده که تظاهرات و اعتصابات سیاسی در همه نظام‌ها قانونی تلقی می‌شوند، در حالی که واقعیت غیر از این است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۴۲). در مواردی که تظاهرات و اعتصابات قانونی از سوی حکومت پذیرفته نشود و پاسخ منطقی داده نشود، آنگاه این حرکت مسالمت‌آمیز تبدیل به چالش نسبت به رژیم و حکومت می‌شود. در عربستان هر تجمع اعتراضی، به عنوان اخلاف در امنیت و همبستگی ملی تلقی شده و مجازات‌های سنگین در پی دارد.



نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا بر اساس مفهوم نوسازی (مدرنیزاسیون) و شاخص‌هایی که هانتینگتون برای آن برشمرده است، روند نوسازی در عربستان سعودی را، به ویژه در سده ۲۱ و در واقع در زمان قدرت عبدالله (به عنوان ولیعهد و از ۲۰۰۶ به بعد به عنوان پادشاه) و ملک سلمان با محوریت اصلاحات بن سلمان ولیعهد، بررسی کنیم و در ادامه با توجه به شاخص‌هایی که ساندرز برای بی‌ثباتی

بررسی روند نوسازی در عربستان سعودی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)

سیاسی برشمرده است، تأثیر اصلاحات انجام شده بر ثبات حکومت سعودی را ارزیابی کنیم. در همین راستا، ابتدا به مفهوم نوسازی پرداخته شد و در ادامه به مهم‌ترین شاخص‌های نوسازی از جمله جمعیت شهری، وضعیت زنان و میزان بهبود جایگاه آنان در دو دهه اخیر، وضعیت رسانه و مطبوعات و آزادی بیان، طبقه متوسط جدید، وضعیت نظام آموزشی و آمار افراد تحصیلکرده یا در حال تحصیل، اقتصاد و احزاب سیاسی و وضعیت نهادمندی و مشارکت سیاسی اشاره شد.

در بخش دیگر مقاله، شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی از نظر ساندرز مورد تحلیل قرار گرفت و نسبت به جامعه سعودی به کار بسته شد. این شاخص‌ها عبارت بودند از: تغییر در رژیم، تغییر در حکومت، چالش‌های خشونت آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز. در مجموع در این مقاله به پاسخ پرسش اصلی که تأثیر نوسازی بر ثبات این کشور بود رسیدیم؛ با توجه به اصلاحات انجام شده به ویژه در دو دهه اخیر، حکومت سعودی زمینه‌هایی را برای ثبات خود فراهم آورده است، از جمله آزادی‌های هرچند اندک برای زنان، اصلاح نگرش در نظام آموزشی، گسترش طبقه متوسط شامل تحصیل کردگان و افراد دارای مهارت. از سوی دیگر اما اقتصاد رانتیر، عدم وجود احزاب برای پیگیری نظرات فعالان سیاسی، عدم نهادمندی و سازوکار مدون برای مشارکت عمومی، سرکوب فعالان حقوق بشری، حقوق زنان و معترضان از عواملی بودند که پتانسیل ایجاد بی‌ثباتی در این حکومت را دارا هستند. نمونه‌هایی از چالش‌های خشونت‌آمیز علیه حکومت سعودی که طبق نظر ساندرز نوعی چالش برای رژیم به حساب می‌آیند ذکر شد. اما در مجموع باید گفت از آنجایی که ثبات/بی‌ثباتی مفاهیم مستقلی نیستند و نمی‌توان یک حکومت را دارای ثبات مطلق یا بی‌ثباتی مطلق دانست، این وضعیت را باید به شکل نسبی ارزیابی نمود. بر همین اساس، حکومت سعودی در طیف ثبات/بی‌ثباتی، در نیمه مایل به ثبات ارزیابی شده، هر چند ظرفیت‌های بی‌ثباتی در آن دیده می‌شود. اما حکومت نشان داده است با وجود سرکوب‌ها و محافظه‌کاری، تمام تلاش خود را برای حفظ ثبات خود انجام داده که این تلاش‌ها شامل نشان دادن انعطاف در موضوعات گوناگون است. هر چند نمی‌توان انتظار آزادی و دموکراسی از این حکومت داشت.

منابع و مأخذ

احمدی، حسن، هرسیج، حسین، نساج، حمید و حاتمی، عباس. (۱۳۹۹). سوژگی طبقه متوسط جدید در فرآیند تغییر سیاسی؛ مطالعه تطبیقی عربستان و عراق. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹ (۳۵)، ۲۵۱-۲۲۳.

ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران، قومس
جعفری ولدانی، اصغر و جعفری، هرمز. (۱۳۹۴). بنیان‌های حفظ ثبات سیاسی در عربستان. ژئوپلیتیک، ۱۲ (۱)، ۱۸۹-۲۱۶.

دیلمی معزی، امین. (۱۳۸۶). هویت‌سازی ملی در دوران پهلوی اول. نشریه زمانه، ۱ (۵۶)، ۱۶-۳.
ساندرز، دیوید. (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی. ترجمه پژوهش‌کننده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهش‌کننده مطالعات راهبردی

سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۸۹). طبقه متوسط جدید و چالش‌های سیاسی حکومت سعودی. مطالعات خاورمیانه، ۱۷ (۳)، ۹۶-۷۳.

سردارنیا، خلیل‌الله و نوروزی امیری، حسین. (۱۳۹۳). فرهنگ سیاسی در عربستان؛ تحلیل ایستایی و چالش‌های فرارو. سیاست، ۴۴ (۲)، ۳۵۱-۳۷۰.

صفوی، حمزه. (۱۳۹۴). عربستان (مجموعه کشورهای اسلامی). تهران، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.
هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

Al-Rasheed, Madawi. (2009). Modernizing Authoritarian Rule in Saudi Arabia, *Contemporary Arab Affairs*, Vol. 2, No. 4, pp. 587-601

Bassiouni, M. S. (2022). *Saudi Reforms: Change for Survival or for Progress?*. IEMed Mediterranean Yearbook 2022, European Institute of the Mediterranean, available at: <https://www.iemed.org/publication/saudi-reforms-change-for-survival-or-for-progress/>

Chara, J. (2018). Saudi Arabia: A Prince's Revolution. *European View*, Vol. 17(2), 227-234

Democracy Index. (2020). A Report by Economist Intelligence Unit

El-Sissi, J. (2018). *Saudi Arabian State Modernization Policies versus Traditional Values*. M.A. thesis, Lunds University.

Embassy of the kingdom of Saudi Arabia. (2003). Law of Printing and Publication, Retrieved 21 January 2023. Available at:

<https://www.saudiembassy.net/law-printing-and-publication>

Hubbard, B. (2020). *The Rise to Power of Mohammed Bin Salman*. Tim Duggan Books, New York

- Human Right Report. (2017). Country Reports on Human Right practices for 2017: Saudi Arabia, U.S. Department of State, 20 April 2018
- Huntington, Samuel P. (1968). *Political order in changing societies*. New Haven: Yale University Press
18. Huntington, Samuel P. (1971). The Change to Change: Modernization, Development, and Politics. *Comparative Politics*, 3 (3): pp. 283-322
<http://www.jstor.org/stable/421470>.
- Huntington, Samuel P., and Joan M. Nelson. (1976). *No easy choice: political participation in developing countries*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Indexmundi. (2020). Saudi Arabia- Literacy rate, available at:
<https://www.indexmundi.com/facts/saudi-arabia/literacy-rate>
- Kinnimont, J. (2017). *Vision 2030 and Saudi Arabia's Social Contract Austerity and Transformation*. Middle East and North Africa Program, Chatham House.
- Özey, M. (2017). Saudi Society and The State: Ideational and Material Basis. *Arab Studies Quarterly*. Vol. 39(4): DOI: 10.13169/arabstudquar.39.4.0996
- Pwc.com. (2017). Cinema in Saudi Arabia: A Billion Dollar Opportunity. Available at:
<https://www.pwc.com/ml/en/publications/cinemas-in-saudi-arabia-opportunity.html>
- Saeedi Rad, A., Esmaili, M., Allakbaribanghoraey, A. (2022). The Whys and Wherefores of the Continuation of Failed States in MENA: From Arab Spring to Coronavirus Disease. *International Studies Journal*, 18(4), 43-64.
- Securite & Defense Magazine. (2021). Saudi Arabia: a Modernization by Forced March?, available at:
<https://sd-magazine.com/?p=11860>
- Screendaily.com. (2022). Saudi Arabia bets big on local filmmakers in bid to become Middle East production powerhouse. Available at:
<https://www.screendaily.com/features/saudi-arabia-bets-big-on-local-filmmakers-in-bid-to-become-middle-east-production-powerhouse/5177133.article>
- Weston, F. W. (1987). *Political Legitimacy and National Identity in Saudi Arabia: Competing Allegiances*. the Fletcher Forum, pp. 81-104.
- World Bank. (2022). Literacy rate, youth (ages 15-24), gender parity index (GPI) - Saudi Arabia, Available at:
<https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.1524.LT.FM.ZS?end=2020&locations=SA&start=2010>
- World Bank. (2022). Literacy rate, youth (ages 15-24), gender parity index (GPI) - Saudi Arabia, Available at:
<https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.1524.LT.FM.ZS?end=2020&locations=SA&start=2010>
- UNESCO, Saudi Arabia Education and Literacy. Available at:
<https://uis.unesco.org/en/country/sa>